



بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش - 8 / آبان / 1398

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

و الحمد لله رب العالمین و الصَّلَاة و السَّلَام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آلہ الطیبین الطاهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین.

اولاً تبریک عرض میکنم به همه‌ی شما جوانان عزیز، نورچشمان عزیز؛ چه جوانهایی که امروز درجه گرفتند و فارغ‌التحصیل شدند و وارد جرگه‌ی افسران جوان ارتش جمهوری اسلامی ایران شدند و چه جوانانی که امروز سردوشی گرفتند و راه را برای رسیدن به نقطه‌ی فعالیت آغاز کردند؛ ان شاء الله که همه‌ی شما موفق باشید. درجه‌بگیران امروز - که امروز درجه گرفتید - دیروز سردوشی گرفتید، امروز افسر جوان ارتش جمهوری اسلامی شدید، فردا هم ان شاء الله به توفیق الهی و به امید خدا، فرماندهان و مسئولان و مدیران قدرتمند نیروهای مسلح کشورتان خواهید بود. میدان را هم خیلی خوب ترتیب دادید؛ نمایش زیبایی در میدان نشان داده شد؛ از ترتیب‌دهندگان این نمایش و اجراکنندگان آن هم متشکریم.

یک نکته‌ی اصلی را اول عرض میکنم، بعد هم چند نکته‌ی دیگر را برای شما جوانهای عزیزمان. نکته‌ی اصلی این است که حضور در ارتش جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک شغل نیست مثل بقیه‌ی مشاغلی که انسان به دنبال آنها میرود و مشغول میشود، بلکه به عهده گرفتن یک مسئولیت مقدس است. آن مسئولیت مقدس چیست؟ حفظ امنیت. امنیت از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل مورد نیاز یک جامعه است. اگر امنیت در یک جامعه‌ای نباشد، در آن جامعه هیچ کار درست و مثبتی نمیشود انجام داد؛ اگر امنیت در یک جامعه نبود و کشور مورد تهدید دشمنان قرار گرفت، نه کار علمی و تحقیقی در آن کشور میشود درست انجام داد، نه فعالیت اقتصادی میشود انجام داد، نه کار فکری و فرهنگی میشود انجام داد. در محیط ناامن هر کسی به فکر حفظ جان خودش است. شما مجموعه‌ی نیروهای مسلح و ارتش جمهوری اسلامی ایران حافظان امنیت این کشورید. این یک مسئولیت فوق‌العاده مهم، حساس، مقدس و باارزش است؛ قدر این را باید بدانید؛ برای همین، اگر شما جوانها - که دلهای پاکی دارید، دلهای روشنی دارید - از همین حالا با این عمل قصد قربت بکنید، دارید عبادت میکنید. یعنی همین تمرین شما، سر کلاس رفتن شما، مأموریهایی که اجرا میکنید، کارهای بزرگی که انجام میدهید، همه‌ی اینها عبادت محسوب میشود؛ وقتی کار، مقدس شد، انسان قصد قربت کرد، میشود عبادت؛ بنابراین تفاوت اساسی، این است.

مسئله‌ی امنیت، همان طور که اشاره کردم خیلی مهم است. بزرگ‌ترین لطمه‌ای که دشمنان میتوانند به یک کشوری بزنند، این است که امنیت آن کشور را سلب کنند. کاری که امروز شما میبینید در بعضی از کشورهای منطقه‌ی ما دشمنان شروع کرده‌اند، دارند انجام میدهند، امنیت را از مردم آن کشور میگیرند؛ عوامل این خباثتها هم شناخته شده‌اند. در دنیا قدرتهای استکباری امروز، بیشتر از همه آمریکا، سرویس‌های اطلاعاتی غربی با پشتوانه‌ی پول بعضی از کشورهای مرتجع منطقه دارند آشوب به پا میکنند در کشورهای همسایه‌ی ما و نزدیک ما و کشورهای این منطقه؛ امنیت را از بین میبرند؛ این بدترین دشمنی و خطرناک‌ترین کینه‌ورزی علیه یک ملت است.

من همین جا از فرصت استفاده کنم، به دلسوزان این کشورها، مثل عراق، مثل لبنان که درگیر مشکلاتند، از همین جا بگویم اولویتهایشان علاج ناامنی است؛ مردمشان هم باید بدانند که [هر چند] مطالباتی دارند و مطالبات به حق هم



هست، اما این مطالبات فقط در چارچوب ساختارهای قانونی، قابل تأمین است. دشمن می‌خواهد ساختارهای قانونی را به هم بریزد. وقتی در یک کشوری ساختارهای قانونی وجود نداشت، خلأ به وجود آمد، هیچ کاری نمیشود کرد، هیچ اقدام مثبتی نمیشود کرد؛ برای کشور عزیز ما هم از این فکرها کرده بودند؛ خوشبختانه ملت، بموقع به میدان آمد و هوشیار بود و نیروهای مسلح هم حضور داشتند و خنثی شد؛ و این علاج برای همه‌ی کشورهای دیگری که دچار این مشکل هستند وجود دارد. این نکته‌ی اول؛ بدانید شماها حافظ امنیتید، یعنی حافظ مهم‌ترین داشته‌ی یک ملت، که کلید داشته‌های دیگر است.

نکته‌ی بعدی مقایسه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران با ارتشهای قدرتهای استکباری است. من با همه‌ی ارتشهای دنیا کاری ندارم؛ نه می‌شناسیم همه را، نه درباره‌ی آنها حرفی می‌خواهیم بزنیم؛ بحث من ارتشهای استکباری است. یک مقایسه‌ای بکنیم بین ارتش خودمان - که شماها جوانان و نونهالان و گل‌های تازه‌روییده‌ی آن هستید - و ارتشهای استکباری؛ یک تفاوت ماهوی وجود دارد، یک تفاوت ذاتی و عمیق وجود دارد. ارتش جمهوری اسلامی ایران همان طور که تعریف کردیم، خود را حافظ امنیت کشورش میداند؛ مسئولیت عمده‌اش این است. مأموریت ارتشهای قدرتهای استکباری در درجه‌ی اول عبارت است از تهاجم، غصب، و ایراد ضربه به کشورهای دیگری که میتوان به آنها به دلایلی و برای منافع ضربه وارد کرد؛ این تفاوتش است.

ما هرگز در دوره‌ی جمهوری اسلامی هیچ جنگی را شروع نکردیم؛ دفاع، در جای خود محکم و قدرتمندانه؛ اما حمله و تجاوز، ابداً! در فلسفه و منطق ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی ایران تجاوز وجود ندارد. اما شما به ارتشهای کشورهای استکباری در همین صد سال اخیر نگاه کنید - که حالا این صد سال اخیر که می‌گوییم، خود این حقیر بخش مهمی از این صد سال را اطلاع دارم، از نزدیک شاهد بودیم یعنی در زمان ما اتفاق افتاده - رد پای جنایات ارتشهای قدرتهای استکباری در این صد سال تقریباً در همه جای دنیا مشاهده میشود.

ارتش انگلیس در شبه قاره‌ی هند یعنی در پاکستان و هندوستان و بنگلادش امروز، در یرمه و در کشورهای کوچک اقیانوس هند، آن چنان جنایتی در همین قرن یعنی در قرن بیستم انجام داده است که واقعاً انسان از یادآوری آنها مشمئز میشود که اینها چطور با نیروهای نظامی به ملتی تهاجم کردند. قلمهای عجیبی از کشتار دسته‌جمعی در اینجا وجود دارد؛ این فقط یک بخش از کار بود. ارتش انگلیس در منطقه‌ی شرق این کار را کرد؛ در طول این صد سال عین همین کارها را در غرب آسیا انجام دادند، عین همین کارها را در بخشی از شمال آفریقا انجام دادند؛ آن قدر جنایت کرده‌اند نسبت به ملتها که هرگز از یاد ملتها نخواهد رفت. البته سیاستمدارها - چه سیاستمدارهای خود آن کشورهای ضعیف و چه سیاستمدارهای کشور انگلیس - خواستند لایه‌لا (۲) کنند، یک جوری به فراموشی بسپارند، [اما] قابل به فراموشی سپردن نیست؛ در تاریخها ثبت شده و ثبت خواهد ماند.

عیناً همین کار نسبت به ارتش فرانسه وجود دارد؛ فرانسوی‌ها که امروز صدای مباحث حقوق بشری‌شان و دموکراسی‌خواهی‌شان و امثال اینهاشان گوش فلک را کر میکند، آن قدر جنایت در شمال آفریقا، در الجزایر، در مراکش، در تونس انجام دادند! در شرق آسیا در ویتنام قبل از آنکه آمریکایی‌ها وارد ویتنام بشوند، فرانسوی‌ها آنجا جنایت کردند، جنایات بسیاری انجام دادند؛ در منطقه‌ی شرق آسیا آمدند [جنایت کردند]؛ در همین سوریه و لبنان فعلی، ارتش فرانسه جنایات عجیبی انجام داده؛ آن قدر فشار بر این مردم وارد کرده! اینها مال این صد سال اخیر است. خاصیت ارتشهای استکباری یک چنین خاصیتی است.



نوبت به آمریکا هم که رسید که دیگر معلوم است؛ آمریکا در ماه اوت ۱۹۴۵ با یک بمب در شهر هیروشیما، به طور فوری و آنی، صد هزار نفر را کشت؛ وقتی این بمب در هیروشیما فرود آمد، در همان ساعت اول صد هزار نفر کشته شدند؛ البته بعدها ده‌ها هزار نفر دیگر بمرور بر اثر مسمومیت‌های ناشی از امواج کذایی هسته‌ای کشته شدند یا معیوب ماندند. بعد سه روز بعدش در شهر ناکازاکی مجدداً یک بمب دیگر انداختند، پنجاه هزار نفر هم در آنجا کشته شدند. سؤال شد که خب اگر شما میخواستید جنگ را خاتمه بدهید - آخر میگویند ما میخواستیم جنگ را تمام کنیم، جنگ بین‌الملل را میخواستیم با این کار خاتمه بدهیم - بمب اول کافی بود، این بمب دوم را چرا انداختید در ناکازاکی؟ جواب این است: بمب اول با اورانیوم ساخته شده بود، بمب دوم با پلوتونیوم ساخته شده بود، میخواستیم امتحان کنیم! ببینید، برای آزمایش بمب، جان ۱۵۰ هزار نفر در وهله‌ی اول نابود میشود، از بین میرود؛ طبیعت ارتش استکباری، ارتش بی‌دین، ارتش بی‌خدا، ارتش فاقد اخلاق این است؛ تفاوت ارتشها اینها است. البته اینها مثالهای محدودی است که من میزنم؛ اگر کسی بخواهد راجع به جنایات ارتشهای قدرتهای استکباری حرف بزند و از این صد سالی که من گفتم فراتر برود - در ظرف دویست سیصد سال - چندین کتاب میشود نوشت و باید نوشت.

خب، تکیه‌ی این ارتشها [کجا است]؟ امکانات خود این ارتشها از کجا تهیّه میشود؟ تکیه‌ی این ارتشها به دولتهای مستکبر است؛ یعنی مشکل کار از ناحیه‌ی خود ارتش نیست، از ناحیه‌ی تکیه‌گاه ارتش است، یعنی نظامهای استکباری. ببینید! راز اینکه من و شما اصرار داریم، تکیه میکنیم، تکرار میکنیم که ما به قرآن متکی هستیم، ما نظام اسلامی می‌خواهیم، این است. بشریت وقتی افتاد دست نظامهای بدون اخلاق، بدون دین، بدون جهت‌گیری درست، این میشود نتیجه‌اش، ارتشش میشود این. پشتوانه‌ی این ارتشهایی که این همه جنایت کردند، قدرتهای سیاسی‌ای بودند که بر این کشورها حاکم بودند؛ آنها این ارتشها را پشتیبانی کردند، این ارتشها هم به نوبه‌ی خود، آن نظامها را نگه داشتند، حفظ کردند، این طبیعت کار است. البته در این طرف هم - در طرف نظام اسلامی - نظام اسلامی ارتش خودش را، نیروهای مسلح خودش را، سپاه خودش را، بسیج خودش را، نیروی انتظامی خودش را ارج مینهد، ارزش میگذارد، برایشان اهمیت قائل میشود؛ نیروهای مسلح هم جزو مهم مؤثری از مجموعه‌ی نظام جالب و زیبای جمهوری اسلامی هستند که از عناصر گوناگونی در صدر و ذیل خود و در طول و عرض خود تشکیل شده؛ این هم نکته‌ی بعدی.

نکته‌ی سوم، خصوصیات دربارهی ارتش جمهوری اسلامی؛ ارتش جمهوری اسلامی در طول این ۴۰ سال، با همه‌ی وجود در خدمت انقلاب اسلامی قرار گرفت، همه‌ی توان خودش را به میدان آورد. یک امتحان تاریخی‌ای در مقابل مجموعه‌های داخل کشور قرار گرفت، هر کدام به نحوی از این امتحان بیرون آمدند؛ ارتش جمهوری اسلامی در این امتحان سرافراز شد؛ این، آن قضاوتی است که من میتوانم راجع به ارتش جمهوری اسلامی بکنم؛ از ساعت اول پیروزی انقلاب بلکه از اندکی قبل از پیروزی انقلاب که مجموعه‌های انقلابی ارتش آمدند خودشان را نشان دادند، بنده در جریان مسائل ارتش هستم تا امروز - ۴۱ سال است - ارتش خودش را در این میدان بخوبی نشان داد.

اولاً تعداد بسیاری از عناصر ارتش دوران طاغوت که دین خودشان را، ایمان خودشان را حفظ کرده بودند، توانستند وارد میدان بشوند و ارتش جمهوری اسلامی را در واقع آنها شکل بدهند؛ شهید صیاد، شهید ستاری، شهید بابایی، یک خرده قدیمی‌تر از آنها شهید فلاحتی، شهید فکوری، مرحوم ظهیرنژاد، مرحوم سلیمی، عناصر ارتش دوران طاغوتند. شما می‌بینید این چهره‌های درخشان توانستند به استقبال نظام جمهوری اسلامی بیایند و خیل عظیم



ارتش را به دنبال خودشان بکشاند. وقتی که شهید بابایی فرمانده پایگاه هوایی اصفهان بود، بنده رفتم برای بازدید در آن پایگاه. مجموعه‌ی پایگاه که فرماندهش آن وقت شهید بابایی بود و سرهنگ بود -مرد مؤمن، مرد انقلابی- مثل یک مجموعه‌ی بسیجی اداره میشد؛ من رفتم از جاهای مختلفش بازدید کردم. شهید صیّاد، مظهر تحرّک انقلابی و ایمان و اعتقاد دینی بود. این یکی از کارها بود که از عناصر قبلی، افراد زیادی، تعداد بسیاری [به استقبال نظام جمهوری اسلامی آمدند]؛ حالا من از چند نفر اسم بردم؛ جمع مهمّی از اینها هم به رتبه‌ی عالی شهادت رسیدند، بعضی هم در خدمات بودند و خدمت کردند و کار کردند و تلاش کردند که ما شاهد تلاشهای آنها بودیم.

ثانیاً در همه‌ی میدانها ارتش جان‌فشانی کرد؛ در مقابله‌ی با تجزیه‌طلبان وابسته‌ی به قدرتهای خارجی در اوایل انقلاب، در بعضی از بخشهای این کشور ارتش جزو نیروهایی بود که وارد میدان شد و تلاش کرد؛ در هشت سال دفاع مقدّس، حضور ارتش حضور چشمگیر بود؛ در مرزبانی سالهای بعد از پیروزی دفاع مقدّس همین جور؛ در پشتیبانی از جبهه‌ی مقاومت، ارتش نقش ایفا کرده که اینها ثبت شده و در وقت خودش در آینده اینها روشن خواهد شد و اعلام خواهد شد و نوشته خواهد شد و پخش خواهد شد.

ثالثاً ارتش در توانایی‌های داخلی خود تحوّل ایجاد کرد؛ هم تحوّل در سازماندهی، هم تحوّل در تاکتیک‌های عملیاتی، هم تحوّل در ساخت و ساز، هم تحوّل در فکر و فرهنگ آحاد ارتشی. این روحیه‌ی دینی، روحیه‌ی ایمانی در دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی، یک چیز بسیار برجسته و مهمّی است، آسان هم به دست نیامده؛ در طول زمان، فرماندهان مؤمن و لایق توانسته‌اند این سنتها را این جور عمیق و پایدار به وجود بیاورند. جهت‌گیری‌های ضدّدینی ارتش دوران طاغوت بکل ۱۸۰ درجه تغییر پیدا کرد، تبدیل شد به جهت‌گیری‌های دینی و فرهنگی و اسلامی.

نکته‌ی بعدی درباره‌ی آینده است؛ خب طبیعت ارتش اسلامی را دانستیم؛ موجودیّت کنونی ارتش جمهوری اسلامی را هم در چند جمله‌ی کوتاه عرض کردیم؛ نسبت به آینده وظایفی وجود دارد. عزیزان من! ببینید، یک ملت آزاد یعنی چه؟ اینکه «آزادی یکی از ارزشها است»، آزادی یک ملت به چیست؟ به کدام ملت میگویند ملت آزاد؟ ملت آزاد آن ملتی است که آزادانه اراده کند، آزادانه عمل کند و منافع حقیقی و ملّی خودش را تشخیص بدهد، و با آن استقلال اراده و استقلال عمل، آن منافع را برای ملت خودش و برای کشور خودش تأمین کند؛ این ملت آزاد به یک چنین چیزی احتیاج دارد؛ و این خصوصیات و این مختصات است که یک ملت آزاد را به ما معرفی میکند. اگر یک ملتی توانست این تشخیص درست را بدهد و تصمیم بگیرد و تحت تأثیر تخریب محاسباتی دشمن قرار نگیرد، به نتایج خوبی دست خواهد یافت. تخریب محاسبات؛ ببینید یکی از کارهای دشمن این است که محاسبات مسئولان کشور و مؤثران فکری کشور و در درجه‌ی بعد آحاد ملت را تغییر بدهد و در محاسبات اینها اثر بگذارد؛ مثل اینکه شما فرض بفرمایید بتوانید در رایانه‌ی یک شخصی یک بدافزار را وارد کنید که همه‌ی چیزهایی را که این رایانه به شما خواهد داد، عوضی بدهد، غلط بدهد؛ در رایانه‌ی عمومی و کلّی مدیریت یک کشور، در اندیشه‌ی آنها، در محاسبات آنها گاهی دشمن تأثیر میگذارد. یک ملت آزاد آن ملتی است که این تأثیر را نپذیرد، به معنای واقعی کلمه آزادانه بیندیشد، آزادانه فکر کند و با شجاعت عمل کند و دنبال منافع ملّی خودش برود. خب، این به چه چیزی احتیاج دارد؟ به بصیرت.

اگر ما بصیرت نداشته باشیم، اگر ما بینش درست، چشم باز، هوشیاری لازم نداشته باشیم، نه درست منافع



حقیقی‌مان را تشخیص می‌دهیم، نه درست راه رسیدن به این منافع را تشخیص می‌دهیم، نه درست آدمی را که باید این بار بزرگ را بر دوش بگیرد، می‌شناسیم. وقتی بصیرت نبود مثل انسانی است که چشم ندارد، راه را نمی‌بیند؛ بصیرت برای یک کشور، یک ملت و آحاد یک مجموعه، به این اهمیّت است. اگر چنانچه این مختصّات در یک کشوری، در یک ملّتی وجود داشت، آن وقت آن ملت به نتایج مطلوب خود خواهد رسید؛ البته این یک الزاماتی را برای همه‌ی مجموعه‌ها به وجود می‌آورد؛ از جمله برای نیروهای مسلّح ما. نمیتوانیم این جوری فرض کنیم که کسانی دارای بصیرتند در کشور، نیروهای مسلّح هم چشم‌هایشان را ببندند و [بگویند] هر چه آنها گفتند؛ نه، این بصیرت، عمومی است؛ در نظام اسلامی این جوری است؛ در نظام اسلامی یکایک شماها باید ببینید، بیندیشید، فکر کنید، بشناسید، تشخیص بدهید و عمل کنید؛ احساس تکلیف بکنید و مراقب باشید که در محاسبات فکری شما، دشمن تأثیر نگذارد.

حالا از آنچه در این نکته‌ی اخیر عرض کردیم چند نتیجه به دست می‌آید: نتیجه‌ی اوّل اینکه به دشمن نباید اعتماد کرد؛ خوش‌بینی ساده‌لوحانه نباید وجود داشته باشد.

دوّم اینکه از حرکات دشمن نباید چشم برداشت؛ باید دائم مراقب حرکات دشمن بود. یکی از بخش‌های مهمّ نیروهای مسلّح ما، بخش‌های اطلاعات و آگاهی‌های اطلاعاتی است؛ چشم از حرکات دشمن نباید برداشت، باید همیشه مراقب برنامه‌ها و نقشه‌ها و حرکات دشمن بود.

سوّم اینکه، دشمن را حقیر و ناتوان نباید شمرد؛ به قول سعدی: دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد؛ (۳) دشمن را با اندازه‌های خودش بشناسیم، خودمان را آماده کنیم برای دفاع از خود، در مقابل دشمن متجاوز.

و الزام بعدی [اینکه] عزیزان من! به پیروزی‌ها نباید غرّه شد؛ پیروزی‌ها با ارزش است، جای خوشحالی هم دارد اما به پیروزی نباید غرّه شد. خیلی‌ها هستند که اوّل پیروزی به دست می‌آورند ولی بعد از آنکه این پیروزی به دست آمد، به خاطر یک عاملی دچار مشکلی میشوند که حالا مثال معروف تاریخی‌اش جنگ احد زمان پیغمبر است که خود پیغمبر هم حضور دارد، خود پیغمبر هم در میدان است، مسلمانها هم پیروز میشوند اما یک غفلت موجب میشود که این پیروزی تبدیل بشود به شکست و سردار بزرگی مثل حمزه‌ی سیدالشّه‌دا به شهادت برسد و بسیاری شهید بشوند، بسیاری زخمی بشوند و لشکر اسلام مغلوب بشود. پیروزی را باید حفظ کرد؛ حفظ پیروزی به این است که ما عوامل پیروزی را حفظ کنیم. عوامل پیروزی ایمان است، مجاهدت دائم است، تلاش مستمر است، وحدت و هم‌افزایی است؛ اینها را نایستی از دست داد.

عزیزان من! به سرگرمی‌های حقیر مادی هم نباید مشغول شد؛ خیلی از ما انسانها انگیزه‌های خوبی هم داریم، همتهای بلندی هم داریم، گاهی اوقات سرگرمی‌های کوچک مادی و حقیر به نظرمان بزرگ می‌آید؛ دنبال یک مقام بودن، دنبال مال بودن، دنبال شهوات بودن ما را مشغول میکند؛ وقتی که [خود را] مشغول کردیم، از هدف بازمانیم، آنچه گفتیم که باید [برای آن] تلاش دائم باشد، از بین میرود و پیروزی از دست خواهد رفت. یعنی بنابراین بایستی توجّه بکنیم، عوامل پیروزی را باید حفظ کرد و به سرگرمی‌ها مشغول نشد.

آن چیزی هم که در این زمینه مخصوص نیروهای مسلّح و نیروهایی حافظ امنیّت است این است که مراقب فتنه



باشند. در قرآن یک جا میفرماید: الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ، (۴) یک جا میفرماید: الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ؛ (۵) «اَشَدُّ» یعنی سخت‌تر، «اَكْبَرُ» یعنی بزرگ‌تر. کشتار چیز بدی است، نامطلوب است اما فتنه از آن بدتر است. خب اگر فتنه از قتل بدتر است، پس بایستی نیروهایی که حافظ امنیت هستند آرایش لازم را، نظم لازم را برای مقابله‌ی با فتنه هم بگیرند، آمادگی‌های خودشان را برای فتنه هم بایستی حفظ بکنند؛ این آن چیزی است که دستگاه‌ها بایستی به آن توجه داشته باشند.

و آخرین نکته‌ای که عرض میکنم مسئله‌ی امید به آینده است. در بیانات شما، در حرکات شما، در آنچه انسان از جوانهای کشور در بخشهای مختلف -چه نیروهای مسلح، چه بسیاری از جوانهای بخشهای دیگر- مشاهده میکند، بحمدالله جوانهای ما سرشار و لبالب از امیدند. به کوری چشم دشمن که میخواهد امید را در دلها از بین ببرد، این فروغ را، این روشنی را از دلها بزداید، بحمدالله امید در کشور زیاد است؛ این امید را بایستی حفظ کرد و بایستی مطمئن بود به اینکه خدای متعال وعده‌ها را محقق خواهد کرد.

امروز ما داریم در مقابل چشممان تحقق وعده‌های الهی را میبینیم. عزیزان! چه کسی تصور میکرد که رژیم صهیونیستی‌ای که نیروهای مسلح چند کشور از عهده‌اش برنیامدند -در یک جنگ، نیروهای اسرائیلی توانستند نیروهای سه کشور عربی را در ظرف شش روز شکست بدهند؛ در یک جنگ دیگر، در ظرف حدود ده دوازده روز توانستند شکست بدهند- این نیروی مسلح مسلطی که سه لشکر از سه کشور از عهده‌اش بر نمی‌آمدند، به وسیله‌ی جوانان مؤمن حزب‌الله وادار به عقب‌نشینی شد، شکست خورد، دستهایش را به علامت تسلیم بالا برد در ظرف ۳۳ روز! از این مهم‌تر، در مقابل جوانان باهمت فلسطینی در غزه - غزه‌ی یک‌وجبی - در ظرف ۲۲ روز در یک نوبت شکست خورد، در ظرف ۷ روز در یک نوبت دیگر شکست خورد و تقاضای آتش‌بس کرد؛ اینها را چه کسی تصور میکرد؟ وقتی که ایستادگی بود، وقتی که صبر بود، وقتی که توکل به خدا بود، وقتی که باور به وعده‌های الهی بود، این پیش می‌آید؛ اینها را ما در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم، بعد از این هم همین خواهد بود.

امروز داریم می‌بینیم استکبار با هزینه‌های سنگینی که در منطقه‌ی غرب آسیا - منطقه‌ی ما - انجام داده است، تا امروز ناکام بوده! این را خودشان دارند میگویند؛ میگویند ما هفت هزار میلیارد دلار اینجا خرج کردیم و هیچ چیز دستمان نیست؛ خودشان دارند اقرار میکنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که میتوان به قدرت معنوی ایمانی اعتماد کرد، تکیه کرد و به آینده امیدوار بود و من به شما عرض کنم، این راه‌پیمایی‌های بازگشتی که این روزها در غزه انجام میگیرد، یک روزی به بازگشت فلسطینی‌ها به طور واقعی به سرزمین‌شان منتهی خواهد و صاحبان سرزمین به [آن] زمین بخواهند گشت؛ ان شاءالله. از خداوند متعال توفیقات خودش را برای یکایک شما و خانواده‌هایتان مسئلت میکنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(۱) در ابتدای این مراسم -که در دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا برگزار شد- سرلشکر سیّدعبدالرحیم موسوی (فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.



- ۲) پنهان کردن، مخفی کردن (در گویش مشهدی)
۳) گلستان، باب اول؛ «دانی که چه گفت زال با رستم گرد / دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»
۴) سوره بقره، بخشی از آیه ۱۹۱
۵) سوره بقره، بخشی از آیه ۲۱۷